



شماره بیست و ششم

زمستان ۱۳۹۲

صفحات ۱۷۶-۱۴۷

بررسی ارجاع مشارکین در هفت‌خوان رستم

دکتر عباسعلی آهانگر*

دانشیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان

دکتر محمد امیر مشهدی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

ستاره مجاهدی رضاییان

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

زبان‌ها شیوه‌های گوناگونی از ارجاع را در نشان‌دادن مشارکین روایت‌ها به‌کار می‌گیرند. این شیوه‌ها می‌توانند شامل حذف کامل مرجع، ارجاع تلویحی به صورت تصریف فعلی، به‌کارگیری ضمائر منفصل و در نهایت به‌کارگیری گروه اسمی کامل باشند. این ابزارهای گفتمانی با نیت نویسنده در نشان‌دادن موقعیت مشارکین و تأکید بر وقایعی خاص مرتبط‌اند. پژوهش حاضر براساس الگوی لوینسون، فراوانی به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین، روش‌های معرفی مشارکین اصلی و فرعی و همچنین چگونگی تأکید بر معرفی مشارکین داستان هفت‌خوان رستم را در شاهنامه بررسی و تحلیل می‌کند. براساس یافته‌های این پژوهش، فراوانی ارجاع مشارک اصلی بیشتر با تصریف فعلی، و فراوانی ارجاع مشارک فرعی بیشتر با گروه اسمی در هفت‌خوان رستم مشاهده شده‌است. افزون بر این، ضمائر متصل نیز به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی به‌کار رفته‌اند.

واژگان کلیدی: ارجاع مشارکین، حذف، تصریف فعلی، ضمیر، گروه اسمی، شاهنامه

*ahangar@english.usb.ac.ir

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤل:

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۸/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۳

۱- مقدمه

دلالتی مبنی بر اهمیت آگاهی از چگونگی ارجاع مشارکین در گفتمان وجود دارد. دو دلیل اصلی توسط دولی و لوینسون^۱ (۲۰۰۱: ۶۰) این گونه مطرح می‌شود: نخست اینکه «شنونده (یا تحلیلگر) باید بتواند درک کند چه کسی چه چیزی را برای چه کسی انجام می‌دهد. دوم اینکه تولیدکننده گفتمان باید بتواند اطلاعات یکسانی را برای شنونده یا خواننده آشکار سازد». آنها بر این باورند که این وظیفه ساده‌ای نیست، زیرا زبان‌ها از الگوهای مختلفی برای ارجاع‌دهی استفاده می‌کنند. با وجود این، همه این الگوها، الگویی آشنا از نظام شناخت و گفتمان را منعکس می‌کنند.

درباره اهمیت این موضوع شیف^۲ (۱۹۹۴: ۹۷) اعتقاد دارد که اگر زبان بخواهد به طور مؤثر عمل کند، سخنگو باید ارجاع مشترک را به گونه‌ای طبقه‌بندی کند که خواننده بتواند آن را شناسایی کند. همچنین لوت^۳ (۱۹۸۹) تولید عبارت‌های ارجاعی را شامل محاسبه قابلیت دسترسی به هر ارجاع با توجه به وضعیت ذهنی مخاطب می‌داند.

به اعتقاد هلیدی و حسن^۴ (۱۹۷۶: ۳۷-۳۹) سه نوع ارجاع در زبان انگلیسی وجود دارد: شخصی^۵، اشاره‌ای^۶ و مقایسه‌ای^۷. ارجاع شخصی ارجاعی از طریق نقش در موقعیت گفتار به وسیله مقوله شخص است، مانند «I»، «You» و...؛ ارجاع اشاره‌ای، ارجاعی از طریق مکان بر مقیاس مجاورت است، مانند «this»، «that» و...؛ و ارجاع مقایسه‌ای ارجاع غیرمستقیم از طریق هویت یا شباهت است؛ مانند «same»، «equal» و... .

مشارکین یک روایت ممکن است اصلی یا فرعی باشند و روش معرفی آنها نیز بر همین اساس متفاوت است. دولی و لوینسون (۲۰۰۱: ۱۱۹) مشارکین اصلی و فرعی را این گونه تعریف می‌کنند: مشارکین اصلی آنهایی هستند که در قسمت اعظم روایت فعال اند و نقش‌های کلیدی را ایفا می‌کنند، اما مشارکین فرعی برای مدت کوتاهی فعال می‌شوند و در دیگر بخش‌های داستان غیرفعال باقی می‌مانند.

1. Dooley & Levinsohn
2. Chafe
3. Levelt
4. Halliday & Hasan
5. personal
6. demonstrative
7. comparative

با توجه به اهمیت شناخت الگوهای مختلف ارجاع و به‌طور خاص ارجاع مشارکین، مطالعاتی در زبان‌های مختلف صورت گرفته‌است. پژوهش هیکن^۱ (۲۰۰۴) از جمله پژوهش‌هایی است که براساس آن به‌کارگیری عبارات ارجاعی شامل گروه اسمی، ضمیر و عناصر تهی^۲ برای معرفی ارجاع توسط کودکان چهار تا ده سال و همچنین گروه کنترل بزرگ‌سالان در چهار زبان انگلیسی، آلمانی، فرانسه و چینی مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش که برپایهٔ روایت‌های تولیدشده توسط گروه‌های سنی مختلف کودکان و بزرگ‌سالان براساس دو داستان تصویری صورت گرفته‌است، نشان می‌دهد فراوانی به‌کارگیری هر یک از این ابزارهای زبانی، از زبانی به زبان دیگر و در گروه‌های سنی مختلف یکسان نیست. در همهٔ گروه‌های سنی ضمیر به‌طور معناداری غالب‌تر از اسم‌ها در زبان فرانسه و چینی هستند، اما در آلمانی عکس این مسأله صادق است و تفاوتی در انگلیسی مشاهده نمی‌شود. تنها تأثیر مهم سنی نشان می‌دهد ضمیر در زبان فرانسه در بزرگ‌سالان کاهش می‌یابد و در زبان چینی نیز تا سن هفت‌سالگی کاهش دارد، اما پس از آن افزایش می‌یابد. در میان این چهار زبان عناصر تهی در چینی غالب‌تر است، انگلیسی و آلمانی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند و در فرانسه کمیاب است. این گوناگونی می‌تواند نتیجهٔ ویژگی‌های نحوی، معنایی و ساخت‌واژی زبان‌های مختلف باشد.

در پژوهشی آرنولد و گرینفین^۳ (۲۰۰۷) با دو آزمون بیان داستان تصویری، فرایند انتخاب ضمیر و اسم خاص را در بین ۲۳ دانش‌آموز انگلیسی‌زبان بررسی کردند. به نظر آنها این انتخاب‌ها از نظر سنتی مربوط به تلاش سخنگو برای قابل تعبیر ساختن حداکثری عبارات ارجاعی برای مخاطب است. با وجود این نتایج، آزمون آنها نشان می‌دهد حتی هنگامی که به‌کارگیری یک ضمیر مبهم نیست، حضور شخصیت دیگری در گفتمان، فراوانی استفاده ضمیر را کاهش می‌دهد. هنگامی که شخصیت مرجع در تصویر تنها ظاهر می‌شود، حضور شخصیت دیگر در گفتمان قبلی به‌کارگیری ضمیر را کاهش می‌دهد. بنابراین انتخاب ضمیر یا اسم خاص برای یک شخصیت در روایت بستگی به حضور و عدم حضور دیگر شخصیت‌ها دارد.

-
1. Hickmann
 2. null elements
 3. Arnold & Griffin

ووبز^۱ و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی به کارگیری فراوانی استفاده از ضمیر و گروه اسمی کامل به منظور معرفی مجدد فاعل ارجاعی^۲ پرداختند.^(۱) آنها مشاهده کردند گروه اسمی کامل مبهم نیست، اما نسبت به ضمیر پیچیده تر است. همچنین کاربرد ضمیر کاملاً اقتصادی است، اما ممکن است توسط شنونده به درستی تفسیر نشود. براساس نتایج مطالعه آنها، شرکت کنندگان بزرگسال با میانگین سنی بیست و چهار سال تقریباً بدون استثنا برای معرفی شخصیت اصلی از گروه اسمی کامل استفاده می کنند. در مقابل کودکان چهار تا هفت سال ترجیح می دهند از ضمائر بیشتر از گروه های اسمی کامل استفاده کنند. یعنی کودکان ضمائری را که برای شنونده غیرقابل بازیابی است، بیشتر تولید می کنند.

مشاهدات دیگر مربوط به تولید ارجاع نشان می دهند سخنگویان هنگامی که به شخصیت فاعل دستوری اشاره می کنند (آرنولد و همکاران، ۲۰۰۰)، یا به چیزی که برای اولین بار در بند قبلی ذکر شده است (گرنسباخر^۳ و همکاران، ۱۹۸۹)، از ضمائر بیشتر استفاده می کنند. درباره به کارگیری ابزارهای زبانها برای ارجاع، گیون^۴ (۱۹۸۳: ۱۸) جدول ۱ را ارائه می کند.

جدول ۱- به کارگیری ابزارهای گوناگون ارجاع در زبانها

مقیاس کدگذاری عبارت های ارجاعی:	گروه های اسمی کامل
بیشترین کدگذاری اطلاعات:	ضمائر تکیه دار / منفصل
کمترین کدگذاری اطلاعات:	ضمائر بدون تکیه / مقید (مطابقه)
	مرجع دار صفر

دولی و لوینسون (۲۰۰۱: ۵۶) با توجه به جدول ۱ تفاوت زبانها را مطرح می کنند، به این معنا که سطوح مختلف به کارگیری این ابزارها در همه زبانها یکسان نیست و هر زبان روش خاص خود را دارد.

1. Wubs
2. referring subject
3. Gernsbacher
4. Givón

یک نظام ارجاعی معتبر در هر زبانی باید سه وظیفه را به انجام برساند. دولی و لوینسون (همان) این سه وظیفه را این گونه مطرح می‌کنند:

۱- وظیفه معنایی: شناسایی ارجاع‌ها به‌طور صریح و تشخیص آنها از دیگر موارد ممکن؛

۲- وظیفه گفتمانی-کاربردشناختی: نشان دادن موقعیت فعال‌سازی و برجسته‌سازی ارجاع‌ها یا عملی که انجام می‌دهند؛

۳- وظیفه پردازش: غلبه بر اختلال^۱ در جریان اطلاعات.

رابرتز^۲ و همکاران (۲۰۰۹: ۹۲) بر این باورند که زبان‌ها متمایزند از این جهت که کدام ابزارهای ارجاع با ارزش کمتر از گروه‌های اسمی کامل قابل استفاده‌اند: (۱) - زبان‌های گسسته^۳ مطابقت^۴ کمی دارند یا اصلاً مطابقت ندارند و دیگر زبان‌ها مطابقت^۴ فعل را با بیش از سه موضوع^۵ دارند؛ ۲- زبان‌های به‌اصطلاح «ضمیرانداز»^۶ معمولاً بدون موضوع‌های آزاد عمل می‌کنند (به مفهوم دیگر، زبان‌هایی که مرجع‌دار صفر^۷ در آنها به‌کار می‌رود)، (۳) درحالی‌که موضوع‌های آزاد در زبان‌هایی مانند انگلیسی اصل پذیرفته‌شده‌ای هستند؛ ۳- زبان‌ها در مقوله‌های اطلاعات همراه با ضمائر و مطابقت کاملاً متفاوت هستند. برخی نظام‌ها فقط شخص را نشان می‌دهند و برخی شخص، شمار، جنس دستوری^۸ یا طبقه^۹ اسم، صورت محترمانه^۹ و غیره را نشان می‌دهند.

از آنجا که پژوهش حاضر به وظیفه گفتمانی-کاربردشناختی شیوه‌های گوناگون ارجاع در روایت‌هایی از شاهنامه می‌پردازد، موقعیت مشارکین در روایت یکی از این موارد خواهد بود. مشارکین معرفی می‌شوند، در صحنه حفظ می‌شوند و از صحنه خارج می‌شوند؛ بعد از آنکه از صحنه خارج شدند، ممکن است دوباره معرفی شوند و به صحنه بازگردند.

1. disruption
2. Roberts
3. isolating language
4. agreement
5. argument
6. pro-drop
7. zero anaphora
8. gender
9. honorific

همان‌گونه که از پژوهش‌های صورت‌گرفته در زبان‌های مختلف می‌توان استنباط کرد، به‌کارگیری این ابزارهای گفتمانی الگوهای متفاوتی را نشان می‌دهد. بر همین اساس، این پژوهش درصدد است به‌کارگیری ابزارهای گفتمانی مختلف را برای ارجاع به مشارکین در داستان هفت‌خوان رستم *شاهنامه* فردوسی براساس الگوی لوینسون (۲۰۱۰)، یعنی چهار صورت حذف کامل ارجاع، ارجاع تلویحی به صورت تصریف فعلی (همچون شناسه‌های فعلی -م-، -ی، -د/Ø، -یم، -ید، -ند)، ضمائر منفصل مانند ضمائر شخصی (من، تو/شما، او/ایشان، ما، شما، آنها) و ضمائر اشاره (از قبیل این، آن، اینها، آنها، همین، همان، همین‌ها، همان‌ها) و در نهایت به‌کارگیری گروه اسمی کامل را بررسی و توصیف کند. طبقه‌بندی تصریف فعلی، ضمائر شخصی و اشاره برگرفته از مشکوة‌الدینی (۱۳۸۴) است. علاوه بر ضمائر منفصل شخصی، در زبان فارسی ضمائر متصل -م-، -ت/ت-، -ش/ش-، -مان، -تان، -شان به صورت واژه‌بست^۱ به‌کار می‌روند، به این معنا که به واژه پیش از خود می‌چسبند. واژه‌ای که ضمیر متصل به آن می‌چسبد، ممکن است اسم، فعل، صفت، حرف اضافه، ضمیر پریشی و یا ضمیر اشاره باشد (همان: ۲۰۱).

در تصریف فعلی، [Ø] نشانه تکواژ صفر است. شقاقی (۱۳۸۹: ۷۴) این تکواژ را این‌گونه تعریف می‌کند که هیچ‌گونه تظاهر صوری ندارد، یعنی نه صورت آوایی دارد و نه نوشتاری. در فعل‌های «رفتم» و «رفتی» به ترتیب دو پسوند «-م» و «-ی» شناسه‌های اول‌شخص و دوم‌شخص مفردند. در کلمه «رفت» هیچ نشانه صوری یا شناسه‌ای برای نشان‌دادن شخص و شمار به کار نرفته‌است. دستوریان همین نبود نشانه را، معنادار تلقی می‌کنند. این نشانه را تکواژ صفر می‌نامند و هرگاه پس از ستاک گذشته فعل در جمله‌ای هیچ‌کدام از پنج شناسه حضور نداشته باشند، به این مفهوم است که تکواژ صفر در ساخت حضور دارد و این عدم‌حضور شناسه را تکواژ صفر یعنی صورتی فاقد هرگونه هویت آوایی و نوشتاری و به مفهوم شناسه سوم‌شخص مفرد قلمداد می‌کنند. براساس کاتامبا و اشتنهام^۲ (۲۰۰۶: ۳۸) برای مثال در زبان انگلیسی نیز تکواژ زمان گذشته که در «painted» با «-ed» نمود پیدا می‌کند، در «cut» با تکواژ صفر نمود

1. clitics

2. Katamba & Stonham

می‌یابد. به اعتقاد آنان از الگوهای ساختاری زبان درمی‌یابیم که فعل زمان گذشته است، گرچه ظاهر واژه به‌طور آشکار این مسأله را نشان نمی‌دهد.

۲- روش پژوهش

به منظور بررسی و توصیف به‌کارگیری ابزارهای گفتمانی مختلف ارجاع مشارکین در هفت‌خوان رستم شاهنامه، هر خوان به عنوان یک داستان دارای آغاز، پایان و مشارکین اصلی و فرعی در تحلیل گفتمان در نظر گرفته شد. یادآوری می‌گردد که عوامل گفتمانی و رای جمله عمل می‌کنند، به‌خصوص عواملی که جریان اطلاعات را در طول پاره‌گفتارها تنظیم می‌کنند. به اعتقاد ون دایک^۱ (۱۹۸۱: ۱۸۳) واحد بررسی گفتمان در شعر رویداد^۲ است. در این پژوهش رویداد یا خوان نیز مبنای تحلیل ارجاع مشارکین قرار گرفته‌است و برای ارائه نمونه‌ی مربوط به هریک از شیوه‌های ارجاع از بیت استفاده شده‌است. در هر خوان که یک داستان محسوب می‌شود، یک مشارک اصلی و چند مشارک فرعی مشخص گردید: در هر خوان مشارک اصلی رستم است، اما مشارکین فرعی در خوان اول، اسب، گور و شیر؛ خوان دوم اسب و میش؛ خوان سوم اژدها و اسب؛ خوان چهارم زن جادوگر؛ خوان پنجم اسب، دشتبان و اولاد، خوان ششم ارژنگ دیو، اولاد، کاووس شاه و دیوسپید؛ و خوان هفتم دیوسپید، کاووس شاه و اولاد هستند. مشارکین اصلی و فرعی در یک روایت ممکن است در صحنه به صورت فعال یا غیرفعال حضور داشته باشند. همچنین ممکن است در صحنه عملی را انجام دهند یا عملی بر روی آنها یا در مورد آنها صورت گیرد. برای مثال، در خوان ششم «دیوسپید» به‌عنوان مشارک غیرفعال شرک دارد که به دست رستم کشته شد. مشارکین اصلی و فرعی داستان‌ها براساس حضور آنها چه به صورت فعال و یا غیرفعال انتخاب شده‌اند. هر داستان جداگانه تحلیل شد و شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین، شامل حذف کامل مرجع، ارجاع تلویحی به صورت تصریف فعلی، ضمائر منفصل مانند ضمائر شخصی و ضمائر اشاره، و درنهایت گروه اسمی کامل برای هریک از مشارکین اصلی و فرعی مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفت و برای مشارک اصلی و یکی از مشارکین فرعی هر خوان مثال ارائه شد. سپس

1. van Dijk
2. episode

فراوانی این صورت‌های مختلف توسط نرم‌افزار SPSS محاسبه گردید. همچنین کلیه مثال‌ها برگرفته از *شاهنامه* فردوسی، نسخه مسکو (۱۳۸۸: ۱۸۶-۱۷۷) هستند.

۳- توصیف و تحلیل داده‌ها

۳-۱- خوان اول

در خوان اول برای ارجاع مشارک اصلی (رستم) حذف کامل مرجع به فراوانی ۲۹/۸٪ و تصریف فعلی ۵۰/۹٪ به کار گرفته شده‌اند. نمونه‌ای از این دو صورت ارجاع در مثال زیر ارائه شده‌است:

دو روزه به یک روزه بگذاشتی شب تیره را روز پنداشتی

مرجع مشارک اصلی داستان (رستم) در این بیت حذف شده‌است. تصریف فعلی -ی [-i] نیز در افعال بگذاشتی [bogzâšt-i] و پنداشتی [pendâšt-i] به مشارک اصلی داستان ارجاع دارد.

فراوانی به کارگیری ضمائر شخصی منفصل ۸/۸٪ است که برای ارجاع به مشارک اصلی استفاده شده و نمونه‌ای از آن در مثال زیر ارائه شده‌است:

اگر تو شدی کشته در چنگ اوی من این گرز و این مغفر جنگجوی...

در مثال فوق، «من» در مصرع دوم ضمیر شخصی منفصل است که به مشارک اصلی ارجاع دارد. همچنین زیرمجموعه‌ای از ضمائر تحت عنوان ضمائر متصل یا واژه‌بست‌ها در این داستان به فراوانی ۵/۳٪ مشاهده شده‌اند:

سرم گر ز خواب خوش آگه شدی تو را جنگ با شیر کوتاه شدی

در این مثال، ضمیر متصل «-م» در «سرم» به مشارک اصلی ارجاع دارد به کارگیری گروه اسمی کامل نیز با فراوانی ۵/۳٪ برای ارجاع به مشارک اصلی مشاهده شده که نمونه‌ای از این نوع ارجاع در مثال زیر ارائه شده‌است:

چو بیدار شد رستم تیزچنگ جهان دید بر شیر تاریک و تنگ

لازم به ذکر است که به کارگیری ضمائر اشاره برای ارجاع به مشارک اصلی در خوان اول مشاهده نشده‌است.

در باب مشارک فرعی داستان اول (اسب/رخش) مشاهدات حاکی از آن است که حذف کامل مرجع با ۱۴/۳٪ و تصریف فعلی با ۲۸/۶٪ برای ارجاع به مشارک فرعی به کار گرفته شده است:

دو دست اندر آورد و زد بر سرش همان تیز دندان به پشت اندرش

در این بیت، «فعل آورد» دارای تصریف صفر [0-] (سوم شخص مفرد) است که به اسب ارجاع دارد. به واسطه استفاده از تصریف فعلی در این بیت گروه اسمی اسب حذف شده است. ضمائر شخصی منفصل نیز برای ارجاع مشارک فرعی به فراوانی ۷/۱٪ مشاهده شده است، مانند «تو» در مثال زیر:

اگر تو شدی کشته در چنگ اوی من این گرز و این مغفر جنگجوی...

علاوه بر ضمیر شخصی منفصل، به کارگیری ضمیر شخصی متصل نیز برای ارجاع به مشارک فرعی خوان اول به فراوانی ۱۴/۳٪ مشاهده شده است:

چنین گفت با رخس: کای هوشیار که گفتت که با شیر کن کارزار؟

در مثال فوق، ضمیر متصل «ت» در «گفتت» برای اشاره به مشارک فرعی به کار گرفته شده است. گروه اسمی نیز با ۳۵/۷٪ برای ارجاع به مشارک فرعی «رخس» به کار رفته است:

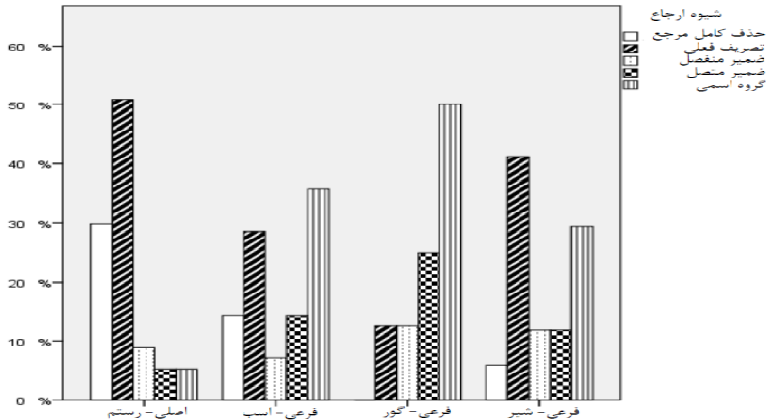
بدین سان همی رخس ببرد راه به تابنده روز و شبان سیاه

همچنین به کارگیری ضمائر اشاره برای ارجاع به مشارک فرعی در این داستان مشاهده نشده است.

دیگر مشارکین فرعی نیز بر همین اساس مورد تحلیل قرار گرفتند. برای ارجاع به «گور» تصریف فعلی ۱۲/۵٪، ضمائر منفصل ۱۲/۵٪، ضمائر متصل ۲۵٪ و گروه اسمی ۵۰٪ مورد استفاده قرار گرفته، اما موردی از حذف کامل مرجع برای این مشارک فرعی مشاهده نشده است. برای ارجاع به «شیر» حذف کامل مرجع ۵/۹٪، تصریف فعلی ۴۱/۲٪، ضمائر منفصل ۱۱/۸٪، ضمائر متصل ۱۱/۸٪ و گروه اسمی ۲۹/۴٪ استفاده شده است. میزان به کارگیری صورت‌های گوناگون برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی داستان یکسان نیست. فراوانی به کارگیری ابزارهای گفتمانی برای هریک از مشارکین اصلی و فرعی خوان اول در جدول ۲ و نمودار ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۲- فراوانی به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان اول

مشارکین	شیوهٔ ارجاع ^(۳)	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
اصلی - رستم	حذف کامل مرجع	۱۷	۲۹/۸	۲۹/۸	۲۹/۸
	تصریف فعلی	۲۹	۵۰/۹	۵۰/۹	۸۰/۷
	ضمیمه منفصل	۵	۸/۸	۸/۸	۸۹/۵
	ضمیمه متصل	۳	۵/۳	۵/۳	۹۴/۷
	گروه اسمی	۴	۵/۳	۵/۳	۱۰۰/۰
	جمع	۵۷	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - اسب	حذف کامل مرجع	۴	۱۴/۳	۱۴/۳	۱۴/۳
	تصریف فعلی	۸	۲۸/۶	۲۸/۶	۴۲/۹
	ضمیمه منفصل	۲	۷/۱	۷/۱	۵۰/۰
	ضمیمه متصل	۴	۱۴/۳	۱۴/۳	۶۴/۳
	گروه اسمی	۱۰	۳۵/۷	۳۵/۷	۱۰۰/۰
	جمع	۲۸	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
	تصریف فعلی	۱	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۲/۵
	ضمیمه منفصل	۱	۱۲/۵	۱۲/۵	۲۵/۰
	ضمیمه متصل	۲	۲۵/۰	۲۵/۰	۵۰/۰
	گروه اسمی	۴	۵۰/۰	۵۰/۰	۱۰۰/۰
	جمع	۸	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - شیر	حذف کامل مرجع	۱	۵/۹	۵/۹	۵/۹
	تصریف فعلی	۷	۴۱/۲	۴۱/۲	۴۷/۱
	ضمیمه منفصل	۲	۱۱/۸	۱۱/۸	۵۸/۸
	ضمیمه متصل	۲	۱۱/۸	۱۱/۸	۷۰/۶
	گروه اسمی	۵	۲۹/۴	۲۹/۴	۱۰۰/۰
	جمع	۱۷	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	



نمودار ۱- فراوانی به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان اول

۳-۲- خوان دوم

در خوان دوم مشارک اصلی رستم و مشارکین فرعی اسب و میش هستند. حذف کامل مرجع و تصریف فعلی به‌ترتیب با $\frac{3}{33}$ ٪ و $\frac{4}{47}$ ٪ برای ارجاع به مشارک اصلی به کار گرفته شده‌است:

همی جست بر چاره جستن رهی سوی آسمان کرد روی آنگهی

در هر دو مصرع این بیت، رستم حذف شده‌است. همچنین فعل‌های «جُست» و «رویگرد» دارای تصریف فعلی صفر [0-] هستند که به رستم ارجاع دارند. در خوان دوم ضمایر شخصی منفصل با $\frac{1}{5}$ ٪ برای ارجاع به مشارک اصلی به کار رفته‌اند: گر ایدون که خشنودی از رنج من بدان گیتی آگنده کن گنج من

در هر دو مصرع مثال فوق، ضمیر شخصی منفصل «من» به مشارک اصلی داستان رستم اشاره دارد. ضمیر متصل نیز با $\frac{4}{6}$ ٪ برای ارجاع به مشارک اصلی به کار گرفته شده که نمونه‌ای از آن در مثال زیر ارائه شده‌است:

تن پیلوارش چنان تفته شد که از تشنگی سست و آشفته شد

در مصرع اول بیت فوق، ضمیر متصل «-ش» در «پیلوارش» به مشارک اصلی داستان اشاره دارد. همچنین داده‌ها نشان می‌دهند که گروه اسمی با $\frac{7}{7}$ ٪ برای ارجاع به مشارک اصلی داستان رستم به کار رفته‌است:

بیفتاد رستم بران گرم خاک زبان گشته از تشنگی چاک چاک

در این داستان نیز به کارگیری ضمیر اشاره برای ارجاع به مشارک اصلی مشاهده نشده است. به کارگیری حذف کامل و تصریف فعلی در خوان دوم برای ارجاع به مشارک فرعی داستان (اسب) به ترتیب با ۹/۱٪ و ۳۶/۴٪ قابل مشاهده است:

همه تن بهستش بران آب پاک بکردار خورشید شد تابناک

همان گونه که از مصرع دوم این مثال مشخص است، فعل «شد» تصریف فعلی صفر [-θ] دارد که به اسب اشاره می کند. همچنین در این مصرع مرجع مشارک فرعی داستان (اسب) تحت فرایند حذف قرار گرفته است. در این داستان ضمائر منفصل شخصی با ۹/۱٪ برای ارجاع به مشارک فرعی به کار رفته اند:

اگر دشمن آید سوی من بپوی تو با دیو و شیران مشو جنگجوی

در هر دو مصرع، ضمیر منفصل «تو» برای ارجاع به مشارک فرعی داستان (اسب) به کار رفته است. در مصرع اول ضمیر منفصل «من» به مشارک اصلی داستان یعنی رستم اشاره دارد.

در این داستان از ضمائر متصل شخصی نیز با ۹/۱٪ برای ارجاع به مشارک فرعی استفاده شده است. همچنین گروه اسمی با ۳۶/۴٪ برای ارجاع به مشارک فرعی داستان به کار گرفته شده است، همچون مثال زیر که گروه اسمی اسب به مشارک فرعی اشاره دارد:

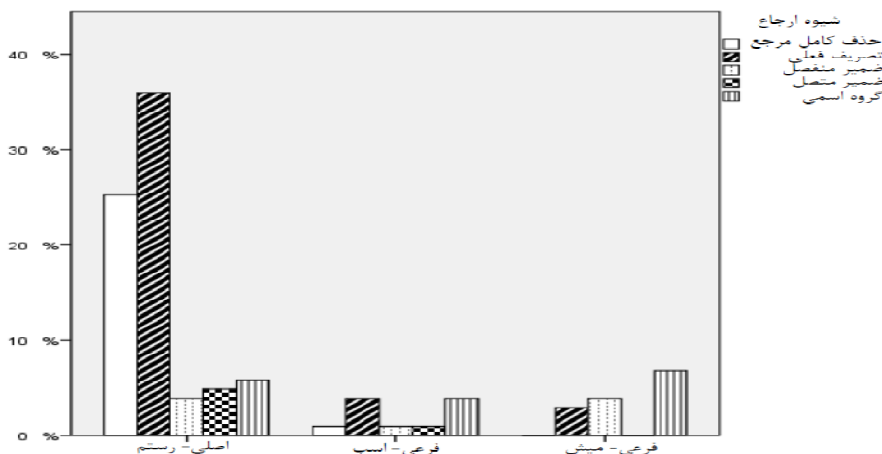
پیاده شد از اسب و ژوپین به دست همی رفت پویان، به کردار مست

به کارگیری ضمائر اشاره برای ارجاع به مشارک فرعی در داستان دوم نیز مشاهده نشده است.

صورت های مختلف گفتمانی برای مشارک فرعی دیگر (میش) به این ترتیب مورد استفاده قرار گرفته است: تصریف فعلی ۲۱/۴٪، ضمائر منفصل ۲۸/۶٪، گروه اسمی ۵۰٪. حذف کامل و ضمائر متصل برای ارجاع به این مشارک مشاهده نشد. داده ها نشان می دهند صورت های مختلف برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی داستان به طور یکسان مورد استفاده قرار نگرفته اند. فراوانی استفاده از ابزار مختلف گفتمانی برای ارجاع به مشارک اصلی و مشارکین فرعی خوان دوم در جدول ۳ و نمودار ۲ ارائه شده است.

جدول ۳- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان دوم

درصد تجمعی	درصد صحیح	درصد	فراوانی	شیوه ارجاع	
۳۳/۳	۳۳/۳	۳۳/۳	۲۶	حذف کامل مرجع	اصلی - رستم
۸۰/۸	۴۷/۴	۴۷/۴	۳۷	تصریف فعلی	
۸۵/۹	۵/۱	۵/۱	۴	ضمیر منفصل	
۹۲/۳	۶/۴	۶/۴	۵	ضمیر متصل	
۱۰۰/۰	۷/۷	۷/۷	۶	گروه اسمی	
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۷۸	جمع	
۹/۱	۹/۱	۹/۱	۱	حذف کامل مرجع	فرعی - اسب
۴۵/۵	۳۶/۴	۳۶/۴	۴	تصریف فعلی	
۵۴/۵	۹/۱	۹/۱	۱	ضمیر منفصل	
۶۳/۶	۹/۱	۹/۱	۱	ضمیر متصل	
۱۰۰/۰	۳۶/۴	۳۶/۴	۴	گروه اسمی	
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۱	جمع	
۲۱/۴	۲۱/۴	۲۱/۴	۳	تصریف فعلی	فرعی - میش
۵۰/۰	۲۸/۶	۲۸/۶	۴	ضمیر منفصل	
۱۰۰/۰	۵۰/۰	۵۰/۰	۷	گروه اسمی	
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۴	جمع	



نمودار ۲- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان دوم

۳-۳- خوان سوم

در خوان سوم، حذف کامل مرجع و تصریف فعلی برای ارجاع به مشارک اصلی داستان (رستم) به ترتیب با ۱۹/۵٪ و ۴۶/۸٪ صورت گرفته است:

بغرید برسان ابر بهار زمین کرد پر آتش از کارزار

در مثال فوق ارجاع به مشارک اصلی تحت عمل حذف قرار گرفته است؛ همچنین فعل‌های «بغرید» و «کرد» دارای تصریف فعلی صفر [0-] هستند که به مشارک اصلی ارجاع دارند. ضمائر منفصل شخصی برای ارجاع به مشارک اصلی با ۱۰/۴٪ مورد استفاده قرار گرفته است:

بدو اژدها گفت نام تو چیست که زاینده را بر تو باید گریست

در هر دو مصرع این بیت، دو ضمیر منفصل شخصی «تو» مشاهده می‌شود که به مشارک اصلی یعنی رستم ارجاع دارند. ضمائر متصل شخصی نیز برای ارجاع به مشارک اصلی با ۶/۵٪ مورد استفاده قرار گرفته است؛ مانند «ش» در مثال زیر:

سیم ره به خواب اندر آمد سرش ز ببر بیان داشت پوشش برش

گروه اسمی نیز با ۱۶/۹٪ برای ارجاع به مشارک اصلی مورد استفاده قرار گرفته است:

هم از بهر رستم دلش نارمید چو باد دمان نزد رستم دوید

در این داستان استفاده از ضمائر اشاره برای ارجاع به مشارک اصلی داستان، مشاهده نشده است. صورت‌های مختلف ارجاع همچنین برای ارجاع به مشارک فرعی داستان (اسب) به کار رفته است. در این رابطه، فراوانی به‌کارگیری حذف کامل با ۱۹/۲٪ و تصریف فعلی با ۴۸/۱٪ مشاهده شده است:

همی کوفت بر خاک رویینه‌سُم چو تندر خروشید و افشاند دُم

در مثال فوق، مرجع مشارک فرعی تحت عمل حذف قرار گرفته است. همچنین فعل‌های «کوفت»، «خروشید» و «افشاند» دارای تصریف فعلی صفر [0-] هستند که به مشارک فرعی داستان (اسب) ارجاع دارند.

ضمائر شخصی منفصل با ۳/۸٪ برای ارجاع به مشارک فرعی به کار رفته‌اند؛ مانند

ضمیر «او» در بیت زیر:

برآویخت با او بجنگ اژدها نیامد بفرجام هم زو رها

همچنین به کارگیری ضمایر متصل با ۱۱/۵٪ مشاهده شد؛ مانند ضمیر متصل «ش»

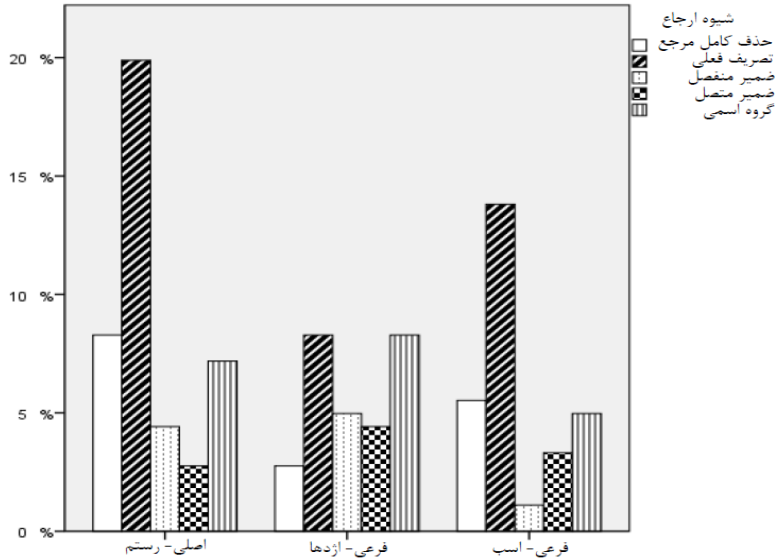
در بیت زیر:

هم از بهر رستم دلش نارمید / چو باد دمان نزد رستم دوید

گروه اسمی نیز برای ارجاع به مشارک فرعی با ۱۷/۳٪ به کار رفته است، اما به کارگیری ضمایر اشاره برای ارجاع به مشارک فرعی داستان سوم نیز مشاهده نشده است. برای مشارک فرعی دیگر (اژدها) حذف کامل مرجع ۹/۶٪، تصریف فعلی ۲۸/۸٪، ضمایر منفصل ۱۷/۳٪، ضمایر متصل ۱۵/۴٪ و گروه اسمی ۲۸/۸٪ به کار رفته است. به کارگیری صورت‌های گوناگون برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی در این داستان یکسان نیست. فراوانی به کارگیری هر یک از این صورت‌های گفتمانی برای ارجاع به مشارک اصلی و مشارکین فرعی داستان در جدول ۴ و نمودار ۳ ارائه شده است.

جدول ۴- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان سوم

مشارکین	شیوه ارجاع	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
اصلی - رستم	حذف کامل مرجع	۱۵	۱۹/۵	۱۹/۵	۱۹/۵
	تصریف فعلی	۳۶	۴۶/۸	۴۶/۸	۶۶/۲
	ضمیر منفصل	۸	۱۰/۴	۱۰/۴	۷۶/۶
	ضمیر متصل	۵	۶/۵	۶/۵	۸۳/۱
	گروه اسمی	۱۳	۱۶/۹	۱۶/۹	۱۰۰/۰
	جمع	۷۷	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - اژدها	حذف کامل مرجع	۵	۹/۶	۹/۶	۹/۶
	تصریف فعلی	۱۵	۲۸/۸	۲۸/۸	۳۸/۵
	ضمیر منفصل	۹	۱۷/۳	۱۷/۳	۵۵/۸
	ضمیر متصل	۸	۱۵/۴	۱۵/۴	۷۱/۲
	گروه اسمی	۱۵	۲۸/۸	۲۸/۸	۱۰۰/۰
	جمع	۵۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - اسب	حذف کامل مرجع	۱۰	۱۹/۲	۱۹/۲	۱۹/۲
	تصریف فعلی	۲۵	۴۸/۱	۴۸/۱	۶۷/۳
	ضمیر منفصل	۲	۳/۸	۳/۸	۷۱/۲
	ضمیر متصل	۶	۱۱/۵	۱۱/۵	۸۲/۷
	گروه اسمی	۹	۱۷/۳	۱۷/۳	۱۰۰/۰
	جمع	۵۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	



نمودار ۳- فراوانی به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان سوم

۳-۴- خوان چهارم

در داستان چهارم نیز برای ارجاع به مشارک اصلی از صورت‌های مختلف ارجاع استفاده شده‌است که از آن میان می‌توان به فراوانی به‌کارگیری حذف کامل مرجع با ۲۵٪ و تصریف فعلی با ۵۳/۱٪ اشاره کرد:

نشست از بر زین و ره بر گرفت خم منزل جادو اندر گرفت

در هر دو مصرع مثال فوق مرجع مشارک اصلی (رستم) حذف شده‌است و فعل‌های «نشست» و «برگرفت» دارای تصریف فعلی صفر [۰-] هستند که به مشارک اصلی داستان اشاره دارد. ضمائر منفصل شخصی با ۷/۸٪ برای ارجاع به مشارک اصلی داستان استفاده شده‌اند؛ مانند «او» در مثال زیر:

خور جاودان بد چو رستم رسید از آواز او دیو شد ناپدید

دربارهٔ دیگر صورت‌های ارجاع مشارکین، به‌کارگیری ضمائر متصل شخصی و گروه اسمی به ترتیب با ۳/۱٪ و ۱۰/۹٪ در این داستان مشاهده شده‌است:

که آواره و بدنشان رستم است که از روز شادیش بهره غم است

در این مثال گروه اسمی رستم و ضمیر متصل «-ش» در «شادیش» برای ارجاع به مشارک اصلی داستان به کار رفته‌است. در این داستان نیز از ضمائر اشاره برای ارجاع به مشارک اصلی استفاده نشده‌است.

در داستان چهارم، مشارک فرعی زن جادوگر است که صورت‌های مختلف گفتمانی برای ارجاع به آن استفاده شده‌است. حذف کامل مرجع با $17/4\%$ و تصریف فعلی با $30/4\%$ برای ارجاع به این مشارک فرعی به کار رفته‌است:
بیاراست رخ را بسان بهار و گرچند زیبا نبودش نگار

در مثال فوق مرجع زن جادوگر برای ارجاع به مشارک فرعی حذف شده و تصریف فعلی صفر [0-] در فعل «بیاراست» به مشارک فرعی داستان اشاره دارد. ضمیر منفصل نیز یکی از صورت‌هایی است که با $4/3\%$ برای ارجاع به مشارک فرعی مورد استفاده قرار گرفته‌است. در مثال زیر، ضمیر منفصل «او» به زن جادوگر اشاره دارد:
ندانست کاو جادوی ریمن است نهفته به رنگ اندر اهریمن است

همچنین ضمیر متصل شخصی برای ارجاع به مشارک فرعی داستان چهارم با $21/7\%$ به کار رفته‌است؛ مانند «-ش» در بیت زیر:
بیاراست رخ را بسان بهار و گرچند زیبا نبودش نگار

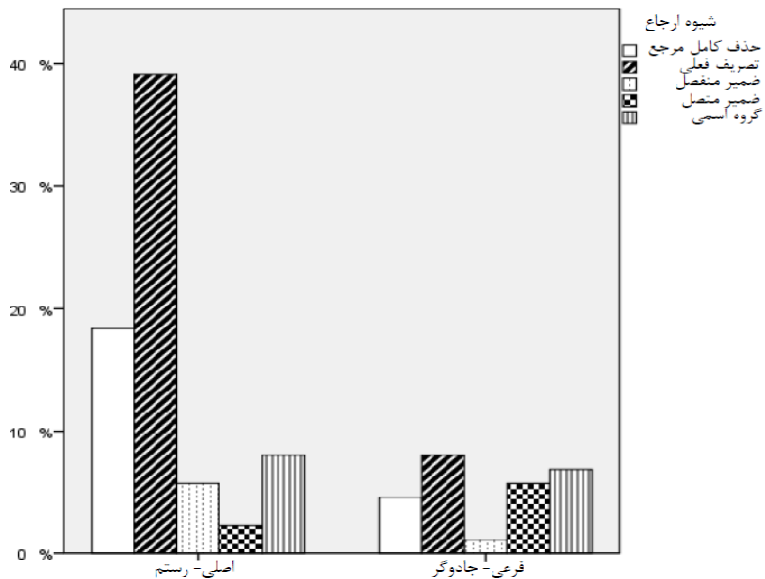
در این داستان گروه اسمی با $26/1\%$ برای ارجاع به مشارک فرعی (زن جادوگر) استفاده شده‌است:
به گوش زن جادو آمد سرود همان ناله رستم و زخم رود

در مورد ارجاع به مشارک فرعی داستان چهارم نیز هیچ موردی از به‌کارگیری ضمائر اشاره مشاهده نشد.

در این داستان نیز صورت‌های گوناگون به طور یکسان برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. فراوانی به‌کارگیری صورت‌های مختلف گفتمانی برای ارجاع مشارکین اصلی و فرعی داستان چهارم در جدول ۵ و نمودار ۴ ارائه شده‌است.

جدول ۵- فراوانی به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان چهارم

مشارکین	شیوه ارجاع	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
اصلی - رستم	حذف کامل مرجع	۱۶	۲۵/۰	۲۵/۰	۲۵/۰
	تصریف فعلی	۳۴	۵۳/۱	۵۳/۱	۷۸/۱
	ضمیر منفصل	۵	۷/۸	۷/۸	۸۵/۹
	ضمیر متصل	۲	۳/۱	۳/۱	۸۹/۱
	گروه اسمی	۷	۱۰/۹	۱۰/۹	۱۰۰/۰
	جمع	۶۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - زن جادوگر	حذف کامل مرجع	۴	۱۷/۴	۱۷/۴	۱۷/۴
	تصریف فعلی	۷	۳۰/۴	۳۰/۴	۴۷/۸
	ضمیر منفصل	۱	۴/۳	۴/۳	۵۲/۲
	ضمیر متصل	۵	۲۱/۷	۲۱/۷	۷۳/۹
	گروه اسمی	۶	۲۶/۱	۲۶/۱	۱۰۰/۰
	جمع	۲۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	



نمودار ۴- فراوانی به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان چهارم

۳-۵- خوان پنجم

در داستان پنجم نیز مشارک اصلی رستم است و برای ارجاع به آن از صورت‌های مختلف حذف کامل مرجع، تصریف فعلی، ضمیر منفصل و متصل شخصی و گروه اسمی استفاده شده‌است. در این رابطه حذف کامل مرجع با ۱۵/۷٪ و تصریف فعلی با ۵۳٪ به کار رفته‌است:

برون کرد ببر بیان از برش به خوی اندرون غرقه بُد مغفرش

در این بیت حذف مرجع و به‌کارگیری تصریف فعلی صفر [0-] در فعل «برون کرد» به مشارک اصلی داستان ارجاع دارد. ضمائر منفصل شخصی نیز با ۱۵/۷٪ برای ارجاع به مشارک اصلی به کار رفته‌است؛ مانند «من» در بیت زیر:

من این تخت و این تاج و گرز گران بگردانم از شاه مازندران

مواردی از به‌کارگیری ضمائر متصل با ۶/۱٪ نیز برای ارجاع به مشارک اصلی داستان (رستم) مشاهده شده است، مانند «ش» در مثال زیر:

برون کرد ببر بیان از برش به خوی اندرون غرقه بد مغفرش

گروه اسمی نیز با ۹/۶٪ برای ارجاع به مشارک اصلی استفاده شده‌است:

سوی رستم و رخس بنهاد روی یکی چوب زد گرم بر پای او

«اولاد» نیز به‌عنوان یکی از مشارکین فرعی این داستان، با صورت‌های مختلفی از ارجاع در داستان حضور دارد. حذف کامل و تصریف فعلی برای ارجاع به مشارک فرعی به ترتیب با ۷/۳٪ و ۴۵/۵٪ استفاده شده‌است:

چو از دشتبان این شگفتی شنید به نخچیرگه بر پی شیر دید

در این بیت مرجع اولاد تحت فرایند حذف قرار گرفته‌است و تصریف فعلی صفر [0-] در دو فعل «شنید» و «دید» به مشارک فرعی اشاره دارد. برای ارجاع به این مشارک فرعی داستان، از ضمائر منفصل و متصل شخصی به ترتیب به فراوانی ۲۵/۵٪ و ۷/۳٪ استفاده شده‌است:

به گوش تو گر نام من بگذرد دم و جان و خون و دلت بفسرد

در مثال فوق، ضمیر منفصل «تو» و ضمیر متصل «ت» در «دلت» به مشارک فرعی داستان (اولاد) ارجاع دارد. همچنین ضمیر منفصل «من» که در این مثال مشاهده

می‌شود، به مشارک اصلی داستان (رستم) اشاره دارد. در این داستان گروه اسمی با ۱۴/۵٪ برای ارجاع به مشارک فرعی داستان (اولاد) به کار رفته‌است:

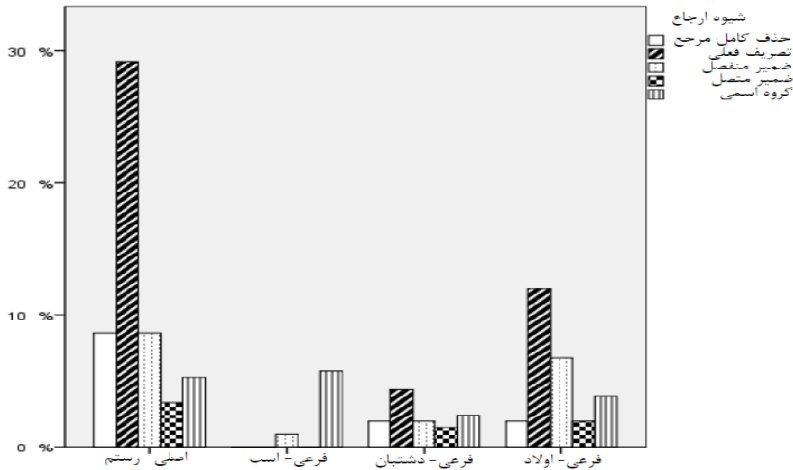
چو بشنید اولاد، برگشت زود برون آمد از درد دل همچو دود

در این داستان نیز از ضمایر اشاره برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی استفاده نشده‌است. از دیگر مشارکین این خوان «اسب» است که ضمایر منفصل با ۱۴/۳٪ و گروه اسمی با ۸۵/۷٪ برای ارجاع به آن استفاده شده‌است. برای مشارک فرعی دیگر (دشتبان) حذف کامل ۱۶٪، تصریف فعلی ۳۶٪، ضمایر منفصل ۱۶٪، ضمایر متصل ۱۲٪ و گروه اسمی ۲۰٪ مورد استفاده قرار گرفته‌است. داده‌ها نشان می‌دهند به کارگیری شیوه‌های گوناگون برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی یکسان صورت نمی‌گیرد. فراوانی به کارگیری هریک از شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی خوان پنجم در جدول ۶ و نمودار ۵ ارائه شده‌است.

جدول ۶- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان پنجم

مشارکین	شیوه ارجاع	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
اصلی- رستم	حذف کامل مرجع	۱۸	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۵/۷
	تصریف فعلی	۶۱	۵۳/۰	۵۳/۰	۶۸/۷
	ضمیر منفصل	۱۸	۱۵/۷	۱۵/۷	۸۴/۳
	ضمیر متصل	۷	۶/۱	۶/۱	۹۰/۴
	گروه اسمی	۱۱	۹/۶	۹/۶	۱۰۰/۰
	جمع	۱۱۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی- اسب	ضمیر منفصل	۲	۱۴/۳	۱۴/۳	۱۴/۳
	گروه اسمی	۱۲	۸۵/۷	۸۵/۷	۱۰۰/۰
	جمع	۱۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی- دشتبان	حذف کامل مرجع	۴	۱۶/۰	۱۶/۰	۱۶/۰
	تصریف فعلی	۹	۳۶/۰	۳۶/۰	۵۲/۰
	ضمیر منفصل	۴	۱۶/۰	۱۶/۰	۶۸/۰
	ضمیر متصل	۳	۱۲/۰	۱۲/۰	۸۰/۰
	گروه اسمی	۵	۲۰/۰	۲۰/۰	۱۰۰/۰
	جمع	۲۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

فرعی - اولاد	حذف کامل مرجع	۴	۷/۳	۷/۳	۷/۳
تصریف فعلی	۲۵	۴۵/۵	۴۵/۵	۵۲/۷	
ضمیر منفصل	۱۴	۲۵/۵	۲۵/۵	۷۸/۲	
ضمیر متصل	۴	۷/۳	۷/۳	۸۵/۵	
گروه اسمی	۸	۱۴/۵	۱۴/۵	۱۰۰/۰	
جمع	۵۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		



نمودار ۵- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان پنجم

۳-۶- خوان ششم

در خوان ششم نیز برای ارجاع به مشارک اصلی داستان (رستم) از شیوه‌های گوناگون ارجاع استفاده شده‌است. حذف کامل ارجاع و تصریف فعلی به ترتیب با ۱/۱۴٪ و ۳/۵۶٪ به مشارک اصلی داستان ارجاع دارند:

پُر از خون سر دیو کنده ز تن بینداخت زآن سو که بود انجمن

در این بیت مرجع رستم حذف شده‌است، همچنین تصریف فعلی صفر [-۵] در فعل «بینداخت» به مشارک اصلی (رستم) ارجاع دارد. ضمائر منفصل شخصی برای ارجاع به مشارک اصلی به فراوانی ۴/۹٪ در این داستان استفاده شده‌اند؛ مانند «تو» در مثال زیر:

همه رنجهای تو بی بر شود ز دیوان، جهان پُر ز لشکر شود

ضمایر متصل شخصی به فراوانی ۱۰/۹٪ برای ارجاع به مشارک اصلی به کار رفته‌اند؛ مانند «ش» در بیت زیر:

یکی مغفری خسروی بر سرش خوی آلوده ببر بیان در برش

گروه اسمی نیز به فراوانی ۹/۴٪ برای ارجاع به مشارک اصلی (رستم) استفاده شده‌است:

چو رستم بدیدش، برانگیخت اسب بیامد بر وی چو آذر گشسپ

در این داستان موردی از به‌کارگیری ضمایر اشاره برای ارجاع به مشارک اصلی مشاهده نشده‌است.

یکی از مشارکین فرعی خوان ششم «کاووس‌شاه» است که صورت‌های مختلف ارجاع برای او نیز به کار رفته‌است. نمونه‌ای از حذف مرجع و تصریف فعلی را که به ترتیب به فراوانی ۷/۱٪ و ۲۸/۶٪ استفاده شده‌اند، در مثال زیر می‌توان دید:

بدو گفت پنهان ازین جادوان همی رخس را کرد باید روان

در این بیت کاووس‌شاه حذف شده‌است و تصریف فعلی صفر [Ø-] در «گفت» به وی ارجاع دارد. ضمایر منفصل نیز برای ارجاع به مشارک فرعی داستان (کاووس شاه) به فراوانی ۱۴/۳٪ استفاده شده‌اند؛ مانند «اوی» در مثال زیر:

بیامد هم اندر زمان پیش اوی یل دانش افروز پر خاشجوی

به‌کارگیری ضمایر متصل با ۲۱/۴٪ نیز برای ارجاع به مشارک فرعی داستان مشاهده می‌شود؛ مانند «ش» در بیت زیر:

غریبید بسیار و بردش نماز بپرسی‌دش از رنجهای دراز

گروه اسمی با ۲۸/۶٪ در این داستان برای ارجاع به مشارک فرعی (کاووس) به کار رفته‌است:

به نزدیک کاووس شد پیلتن همه سرفرازان شدند انجمن

در این داستان نیز همچون پنج داستان قبل، ضمایر اشاره برای ارجاع به مشارک اصلی و فرعی استفاده نشده‌اند.

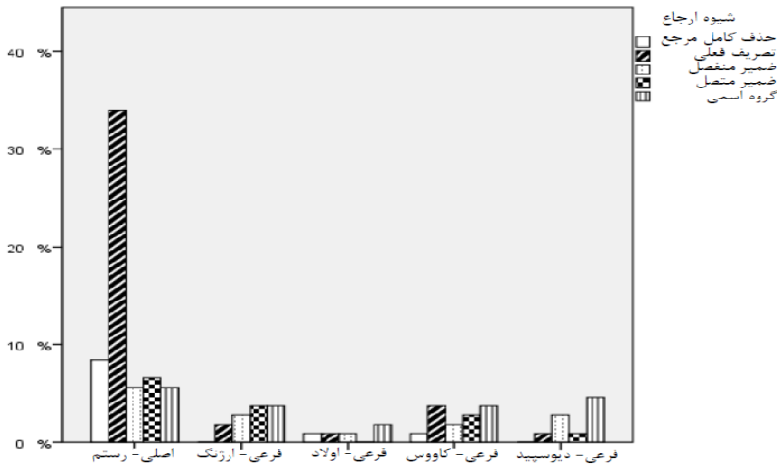
مشارک فرعی دیگر ارژنگ است که تصریف فعلی ۱۵/۴٪، ضمایر منفصل ۲۳/۱٪، ضمایر متصل ۳۰/۸٪ و گروه اسمی ۳۰/۸٪ برای ارجاع به آن به کار رفته‌است. برای ارجاع

به یکی دیگر از مشارکین فرعی، یعنی اولاد، حذف کامل مرجع، تصریف فعلی و ضمائر منفصل ۲۰٪، و گروه اسمی ۴۰٪ استفاده شده است. همچنین به کارگیری تصریف فعلی ۱۰٪، ضمائر منفصل ۳۰٪، ضمائر متصل ۱۰٪ و گروه اسمی ۵۰٪ برای ارجاع به دیو سپید مشاهده شده است. فراوانی به کارگیری هر یک از صورت‌های گفتمانی برای ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در جدول ۷ و نمودار ۶ ارائه شده است.

جدول ۷- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان ششم

مشارکین	شیوه ارجاع	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
اصلی - رستم	حذف کامل مرجع	۹	۱۴/۱	۱۴/۱	۱۴/۱
	تصریف فعلی	۳۶	۵۶/۳	۵۶/۳	۷۰/۳
	ضمیر منفصل	۶	۹/۴	۹/۴	۷۹/۷
	ضمیر متصل	۷	۱۰/۹	۱۰/۹	۹۰/۶
	گروه اسمی	۶	۹/۴	۹/۴	۱۰۰/۰
	جمع	۶۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - ارژنگ	تصریف فعلی	۲	۱۵/۴	۱۵/۴	۱۵/۴
	ضمیر منفصل	۳	۲۳/۱	۲۳/۱	۳۸/۵
	ضمیر متصل	۴	۳۰/۸	۳۰/۸	۶۹/۲
	گروه اسمی	۴	۳۰/۸	۳۰/۸	۱۰۰/۰
	جمع	۱۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - اولاد	حذف کامل مرجع	۱	۲۰/۰	۲۰/۰	۲۰/۰
	تصریف فعلی	۱	۲۰/۰	۲۰/۰	۴۰/۰
	ضمیر منفصل	۱	۲۰/۰	۲۰/۰	۶۰/۰
	گروه اسمی	۲	۴۰/۰	۴۰/۰	۱۰۰/۰
	جمع	۵	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - کاووس	حذف کامل مرجع	۱	۷/۱	۷/۱	۷/۱
	تصریف فعلی	۴	۲۸/۶	۲۸/۶	۳۵/۷
	ضمیر منفصل	۲	۱۴/۳	۱۴/۳	۵۰/۰
	ضمیر متصل	۳	۲۱/۴	۲۱/۴	۷۱/۴
	گروه اسمی	۴	۲۸/۶	۲۸/۶	۱۰۰/۰
	جمع	۱۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

۱۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۱	تصرف فعلی	فرعی - دیوسپید
۴۰/۰	۳۰/۰	۳۰/۰	۳	ضمیر منفصل	
۵۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۱	ضمیر متصل	
۱۰۰/۰	۵۰/۰	۵۰/۰	۵	گروه اسمی	
	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰	جمع	



نمودار ۶- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان ششم

۳-۷- خوان هفتم

مشارک اصلی خوان هفتم نیز همچون خوان‌های دیگر رستم است و ارجاع آن با ابزارهای مختلف گفتمانی صورت می‌گیرد. حذف کامل مرجع و به کارگیری تصرف فعلی برای ارجاع مشارک اصلی به ترتیب به فراوانی ۱/۲۳٪ و ۵۰٪ مشاهده شده است:

وزان جایگه تنگ بسته کمر بیامد پُر از کینه و جنگ، سر

ضمایر منفصل و متصل نیز به ترتیب با ۴/۱۵٪ و ۳/۲٪ برای ارجاع به مشارک اصلی

استفاده شده‌اند؛ مانند «تو» در مصرع اول و «دَت» در مصرع دوم مثال زیر:

بدان‌گه تو پیروز باشی مگر اگر یار باشدت پیروز‌گر

همچنین گروه اسمی با ۷/۷٪ برای ارجاع به مشارک اصلی داستان به کار رفته است:

نکرد ایچ رستم به رفتن شتاب بـدان تا برآمد بلند آفتاب

در این داستان برخلاف داستان‌های قبل مواردی از به‌کارگیری ضمائر اشاره به فراوانی ۱/۵٪ برای ارجاع به مشارک اصلی مشاهده شده‌است:

همی پوست کند این از آن، آن ازین همی گل شد از خون سراسر زمین

در مصرع اول این بیت، ضمیر اشاره «این» به مشارک اصلی (رستم) و ضمیر اشاره «آن» به مشارک فرعی ارجاع دارد.

یکی از مشارکین فرعی خوان هفتم دیو سپید است که برای ارجاع به آن نیز از ابزارهای مختلفی استفاده شده‌است. حذف کامل مرجع، تصریف فعلی و ضمائر متصل به ترتیب با ۳/۷٪، ۲۵/۹٪ و ۲۲/۲٪ برای ارجاع به این مشارک فرعی به‌کار رفته‌اند:

سوی رستم آمد چو کوهی سیاه از آهنش ساعد، ز آهن کلاه

ضمائر منفصل با ۱۸/۵٪ برای ارجاع به مشارک فرعی (دیو سپید) استفاده شده‌است؛ مانند «وی» در بیت زیر:

به رنگ شبه روی چون شیر موی جهان پر ز پهنا و بالای اوی

موارد به‌کارگیری گروه اسمی برای ارجاع مشارک فرعی ۲۲/۲٪ است که نمونه‌ای از آن در مثال زیر ارائه شده‌است:

همی گفت ازین گونه دیو سپید همی داد دل را بدین سان نوید

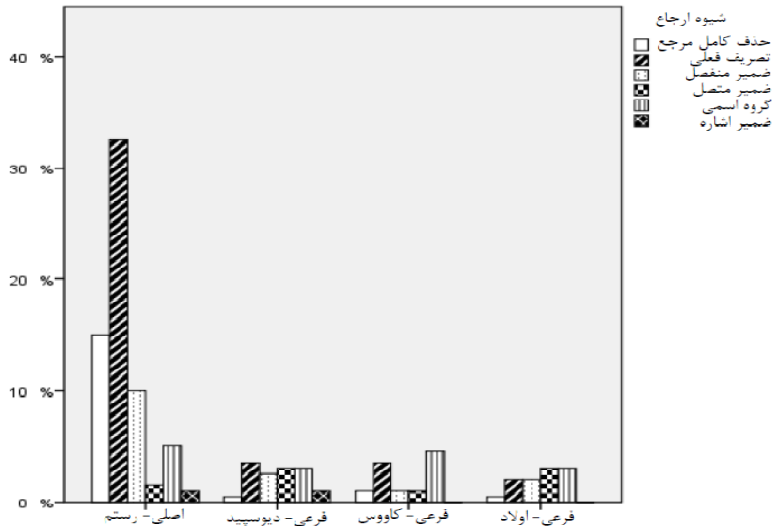
استفاده از ضمائر اشاره برای ارجاع این مشارک فرعی به فراوانی ۷/۴٪ مشاهده شده‌است؛ مانند «آن» در بیت زیر:

همی پوست کند این از آن، آن ازین همی گل شد از خون سراسر زمین

مشارک دیگر خوان هفتم «کیکاووس» است که حذف کامل مرجع ۹/۱٪، تصریف فعلی ۳۱/۸٪، ضمائر متصل و منفصل ۹/۱٪ و گروه اسمی ۴۰/۹٪ برای ارجاع به آن استفاده شده‌است. برای ارجاع مشارک فرعی اولاد، حذف کامل مرجع ۴/۸٪، تصریف فعلی و ضمائر منفصل ۱۹٪، و ضمائر متصل و گروه اسمی ۲۸/۶٪ به‌کار رفته‌است. به‌کارگیری ضمائر اشاره برای ارجاع این دو مشارک فرعی آخر مشاهده نشده‌است. فراوانی به‌کارگیری هر یک از صورت‌های گفتمانی برای ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در جدول ۸ و نمودار ۷ ارائه شده‌است.

جدول ۸- فراوانی به کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان هفتم

مشارکین	شیوه ارجاع	فراوانی	درصد	درصد صحیح	درصد تجمعی
اصلی - رستم	حذف کامل مرجع	۳۰	۲۳/۱	۲۳/۱	۲۳/۱
	تصریف فعلی	۶۵	۵۰/۰	۵۰/۰	۷۳/۱
	ضمیر منفصل	۲۰	۱۵/۴	۱۵/۴	۸۸/۵
	ضمیر متصل	۳	۲/۳	۲/۳	۹۰/۸
	گروه اسمی	۱۰	۷/۷	۷/۷	۹۸/۵
	ضمیر اشاره	۲	۱/۵	۱/۵	۱۰۰/۰
	جمع	۱۳۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - دیوسپید	حذف کامل مرجع	۱	۳/۷	۳/۷	۳/۷
	تصریف فعلی	۷	۲۵/۹	۲۵/۹	۲۹/۶
	ضمیر منفصل	۵	۱۸/۵	۱۸/۵	۴۸/۱
	ضمیر متصل	۶	۲۲/۲	۲۲/۲	۷۰/۴
	گروه اسمی	۶	۲۲/۲	۲۲/۲	۹۲/۶
	ضمیر اشاره	۲	۷/۴	۷/۴	۱۰۰/۰
	جمع	۲۷	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - کیکاووس	حذف کامل مرجع	۲	۹/۱	۹/۱	۹/۱
	تصریف فعلی	۷	۳۱/۸	۳۱/۸	۴۰/۹
	ضمیر منفصل	۲	۹/۱	۹/۱	۵۰/۰
	ضمیر متصل	۲	۹/۱	۹/۱	۵۹/۱
	گروه اسمی	۹	۴۰/۹	۴۰/۹	۱۰۰/۰
	جمع	۲۲	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
فرعی - اولاد	حذف کامل مرجع	۱	۴/۸	۴/۸	۴/۸
	تصریف فعلی	۴	۱۹/۰	۱۹/۰	۲۳/۸
	ضمیر منفصل	۴	۱۹/۰	۱۹/۰	۴۲/۹
	ضمیر متصل	۶	۲۸/۶	۲۸/۶	۷۱/۴
	گروه اسمی	۶	۲۸/۶	۲۸/۶	۱۰۰/۰
	جمع	۲۱	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	



نمودار ۷- فراوانی به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع مشارکین اصلی و فرعی در خوان هفتم

۴- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع شامل حذف کامل مرجع، ارجاع تلویحی به صورت تصریف فعلی، ضمائر منفصل مانند ضمائر شخصی و اشاره، ضمائر متصل و درنهایت گروه اسمی در داستان هفت‌خوان رستم از شاهنامه فردوسی مورد بررسی قرار گرفت. بررسی داده‌های زبانی مربوط به فراوانی هر یک از این صورت‌های گفتمانی مرتبط با مشارکین اصلی و فرعی روایت‌ها نشان می‌دهد حکیم ابوالقاسم فردوسی برای ارجاع و معرفی مشارک اصلی و فرعی داستان از شیوه‌های گفتمانی گوناگون بهره گرفته‌است. نتایج حاصل از این پژوهش به درک ارتباط بین شخصیت‌های مطرح در هفت‌خوان و تبیین انواع شیوه‌های ارجاع مشارکین کمک می‌کند. در این راستا، برای ارجاع به مشارک اصلی داستان تصریف فعلی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌است. بعد از تصریف فعلی فراوانی حذف کامل مرجع قابل ملاحظه است. این یافته نشان می‌دهد همان‌طور که ماهوتیان (۱۳۸۴: ۵۵-۵۴) عنوان می‌کند چون فارسی، زبانی ضمیرافتان یا ضمیرانداز است، فاعل را اغلب حذف می‌کنند و فاعل را می‌توان با شناسه فعل یا از روی نشانه‌های کاربردی که در سیاق کلام وجود دارند، شناخت. به همین دلیل است که در بیشتر مواردی که تصریف فعلی برای ارجاع به کار

گرفته شده است، شاهد حذف ارجاع نیز هستیم. این یکی از ویژگی‌های بارز زبان فارسی است. صورت‌های دیگر ارجاع، برای ارجاع به مشارک اصلی در رتبه‌های بعدی قرار دارند و کمترین مورد مشاهده شده ضمیر اشاره است. دلیل آن را می‌توان با این حقیقت مرتبط دانست که مشارک اصلی داستان‌های بررسی شده (رستم)، انسان است و به طور کلی برای ارجاع به انسان از ضمائر اشاره استفاده نمی‌شود، به جز در مواردی معدود که نمونه‌ای از آن در مثال‌های فوق ارائه شد. تحلیل داده‌ها همچنین نشان می‌دهند فراوانی به‌کارگیری گروه اسمی برای ارجاع به مشارکین فرعی داستان‌ها از دیگر صورت‌ها بیشتر است. از آنجا که مشخصه متمایزکننده مشارکین فرعی از مشارکین اصلی این است که در بخشی از روایت حضور دارند و در دیگر قسمت‌ها غیرفعال اند و یا به‌طور کلی از صحنه خارج می‌شوند، صورت مناسب برای ارجاع به مشارک فرعی گروه اسمی است که از ابهام جلوگیری می‌کند. تصریف فعل و دیگر صورت‌ها برای ارجاع به مشارکین فرعی در رده‌های بعدی قرار دارند. لازم به ذکر است که در الگوی لوپنسون (۲۰۱۰) به ضمائر متصل شخصی اشاره‌ای نشده است، اما در داده‌های زبانی داستان هفت‌خوان این ضمائر برای ارجاع به مشارکین اصلی و فرعی از کاربرد قابل ملاحظه‌ای برخوردارند. این مورد نیز یکی دیگر از ویژگی‌های زبان فارسی است که علاوه بر ضمائر منفصل از ضمائر متصل نیز برای ارجاع استفاده می‌شود.

همچنین، نتایج حاصل از بررسی انفرادی هفت‌خوان رستم نشان می‌دهد که در هر خوان به‌کارگیری شیوه‌های گوناگون ارجاع تقریباً یکسان است، به این معنا که در تحلیل آماری هر یک از هفت‌خوان و نیز مجموع خوان‌ها برای ارجاع به مشارک اصلی داستان تصریف فعلی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بعد از تصریف فعلی فراوانی حذف کامل مرجع قابل ملاحظه است و فراوانی به‌کارگیری گروه اسمی برای ارجاع به مشارکین فرعی از دیگر صورت‌ها بیشتر است. بنابراین تفاوت معناداری وجود نخواهد داشت اگر به جای هفت‌خوان یک یا دو خوان و یا بیشتر بررسی شود.

به‌علاوه، یافته‌های این پژوهش بیانگر این نکته است که نظام ارجاعی زبان فارسی سه وظیفه مطرح‌شده توسط دولی و لوپنسون (۲۰۱۱: ۵۶) یعنی وظیفه معنایی، وظیفه گفتمانی-کاربردشناختی و وظیفه پردازش را با به‌کارگیری ابزارهای گوناگون ارجاع گیون (۱۹۸۳: ۱۸) محقق می‌سازد. به این صورت که به‌کارگیری هریک از ابزارهای ارجاع

مشارکین با هدف تحقق وظایف نظام ارجاعی زبان است. بررسی و شناخت این وظایف و ابزارهای ارجاعی می‌تواند به درک بهتر ساختار گفتمان زبان فارسی منجر شود و یافته‌های مربوط به آن می‌تواند در جنبه‌های مختلف زبان از جمله درمان اختلالات زبانی نیز کاربرد داشته باشد.

پی‌نوشت:

- ۱- در زبان انگلیسی دو فاعل غیرارجاعی/پوچ‌ضمیر (non-referential/expletive)، شامل «there» و «it» وجود دارد. فاعل غیرارجاعی/پوچ‌ضمیر، ضمیر فاعلی است که محتوای معنایی ندارد. برای مثال در جمله انگلیسی «It is raining» ضمیر «it» یک فاعل غیرارجاعی/پوچ‌ضمیر است (هیکن: ۲۰۰۴: ۱۰-۹). حضور این پوچ‌ضمیر در جمله ناشی از ضرورت ساختاری است که به موجب آن هر جمله‌ای باید دارای فاعل باشد (نک. درزی، ۱۳۸۴: ۱۴۳ و ردفورد، ۲۰۰۹: ۲۷۰).
- ۲- زبان‌ها متمایز هستند از این جهت که کدام ابزارهای ارجاع با ارزش کمتر از گروه‌های اسمی کامل قابل استفاده‌اند؛ به این معناست که براساس رابرتز و همکاران (۲۰۰۹: ۹۲) سطوح خاص در جدول ۱ در همه زبان‌ها یکسان نیستند.
- ۳- مرجع‌دار صفر به باور رابرتز و همکاران (۲۰۰۹: ۹۲) فاقد ابزار ارجاعی صریح است. همچنین به اعتقاد درزی (۱۳۸۴: ۱۸۹-۱۸۸) در زبان‌های ضمیرانداز در جمله‌ای همچون «فردا به ملاقات ما می‌آیند، فاعل جمله فاقد تظاهر آوایی است.
- ۴- شیوه ارجاع با فراوانی صفر توسط نرم افزار SPSS ارائه نمی‌شود.

منابع

- شقاقی، ویدا (۱۳۸۹)، *مبانی صرف، تهران: سمت.*
- درزی، علی (۱۳۸۴)، *شیوه استدلال نحوی، تهران: سمت*
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، *شاهنامه فردوسی براساس نسخه مسکو، تحت نظر یوگنی ادوارد ویچ برتلس، تهران: پیام عدالت.*
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، ترجمه مهدی سمائی، تهران: مرکز.*
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی، تهران: سمت.*

- Arnold, J. E. (2001), "The Effect of Thematic Roles on Pronoun Use and Frequency of Reference Continuation", *Discourse Processes*. Vol. Issue 31: 137-162.
- Arnold, J. E.; Eisenband, Y.G.; Brown-Schmidt, S. and Trueswell, J.C. (2000), "The rapid use of gender information: evidence of the time course of pronoun resolution from eye tracking", *Cognition*. Vol. 76, B13-B26.
- Arnold, Jennifer E., Griffin, Zenzi M. (2007), "The Effect of Additional Characters on Choice of Referring Expression: Everyone Counts", *Journal of Memory and Language*. Vol. 56, 521-536.
- Chafe, W. (1994), *Discourse, consciousness, and time*, Chicago: University Press.
- Dooley, Robert A., Levinsohn, Stephen H. (2001), *Analyzing Discourse: A Manual of Basic Concepts*, Dallas: SIL International.
- Givón, T. (1983), *Topic continuity in discourse*, Amsterdam: John Benjamins.
- Gernsbacher, M.A., Hargreaves, D.J., Beeman, M. (1989), "Building and accessing clausal representations: the advantage of first mention versus the advantage of clause recency", *Journal of Memory and Language*. Vol. 28, 735-755.
- Halliday, M. A. K., and Hasan, R. (1976), *Cohesion in English*. London: Longman.
- Hickmann, M. (2004), *Children's Discourse: Person, Space and Time across Languages*, Cambridge University Press.
- Katamba, F., and Stonham, J. (2006), *Morphology*, 2nd ed. Palgrave Macmillan.
- Levelt, W.J.M. (1989). *Speaking: from Intention to Articulation*, MIT Press, Cambridge.
- Levinsohn, Stephen H. (2010), *Self-Instruction Materials on Narrative Discourse Analysis*, SIL International.
- Radford, Andrew (2009), *Analysing English Sentences A Minimalist Approach*, Cambridge University Press.
- Roberts, J., Barjasteh Delforooz, B., & Jahani, C. (2009), *A study of Persian discourse structure*, Uppsala: Uppsala University.
- Van Dijk, A., Teun (1981), *Episodes as Units of Discourse Analysis*, Georgetown University Press.
- Wubs, E., Hendriks, P., Hoeks, J., & Koster, C. (2009), "Tell me a Story! Children's Capacity for Topic Shift", Somerville, MA: Cascadilla Press.